

"بسمه تعالی"

نقش مساجد در تعالی اخلاق فردی و اجتماعی

مرتضی رستگار

چکیده

مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های دینی جامعه‌ی اسلامی است. مردم، دولت‌های مسلمان و نخبگان دینی و مذهبی، همواره به این مکان مقدس توجه داشته‌اند. از دیگر سرو، رشد و تعالی اخلاق دینی جامعه چه در حوزه‌ی فردی و چه در حوزه‌ی اجتماعی، از اصلی‌ترین دغدغه‌های عالمان و فرهیختگان و سیاستگذاران جوامع مسلمان می‌باشد. این مقاله می‌کوشد عوامل مؤثر در رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی و نیز رابطه‌ی آن‌ها با مسجد را تبیین کند. نگارنده بر این عقیده است که؛ ظرفیت‌های کارکردی مناسب مساجد می‌تواند برای رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی نقش ایفا کند. این امکان، از طریق برنامه‌ریزی محتوایی و ساختاری به روز، در برپایی اجتماعات و برنامه‌های عبادی، آموزشی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و استفاده از ابزارها و رسانه‌های جدید تحقق خواهد یافت.

واژگان کلیدی: مسجد، انسان، اخلاق، تعالی

مقدمه

بی‌تردید موجود زنده چیزی بیش از موجود بی‌جان دارد. اصل این مطلب را منکران روح هم قبول دارند؛ اما آن را به گونه‌ای مادی توجیه می‌کنند. ادیان الهی بر دو بعدی بودن انسان و ترکیب او از روح و بدن تأکید دارند. قرآن کریم در آیات فراوانی به ساحت روح و روان انسانی توجه می‌کند. در آیات ۱۲ تا ۱۴ سوره مؤمنون، خداوند پس از ذکر مرحله‌های جسمانی خلقت می‌فرماید: (ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ) که به مرحله‌ی دمیدن روح انسانی اشاره می‌کند.^۱ اسلام از همه پیروانش می‌خواهد که به هر دو بعد روحی و بدنی خود توجه کنند. اما از آن‌جا که انسان برای رسیدن به قرب الهی و جانشینی خدای سبحان آفریده شده است؛ (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا)^۲ توجه اسلام به روح و تعالی آن، بیش از توجه به جسم بوده است. در اسلام، فقط به مثابه‌ی ابزار به بدن توجه می‌شود؛ «قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي». از این‌رو اسلام از همه‌ی پیروانش می‌خواهد به اخلاق اسلامی آراسته شود و در پرتو دین و اخلاق به کسب تقوا بپردازند.

بدون شک، در مقایسه با ابزاری که خالق حکیم در اختیار انسان ها گذارده است، آن‌ها نه تنها کمال یافته‌اند که به شدت انحطاط اعتقادی و اخلاقی پیدا کرده‌اند. امروزه، با کمال تأسف، کار اصلی بشریت کوشش برای خوب زیستن در سرای مادی است! در حالی که زندگی حقیقی در تعالی روح و ارتقاء به حیات طیبه و تقرب به خداست. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)^۳ کمال آدمی و کفایت‌های اخلاقی و رفتاری وی واقعیت‌هایی تعیین‌کننده در زندگی و سرنوشت تعالی او هستند؛ به‌همین دلیلی شناسایی و توجه به آن‌ها باید در اولویت قرار گیرد. موضوع اخلاق رابطه‌ی انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت را در بر می‌گیرد؛ از این‌رو اصلاح، رشد و تعالی اخلاق به معنای اصلاح همه‌ی روابط انسان در مسیر رسیدن به تعالی واقعی است. در این مسیر، استعدادها، بشر و آرزوهای او باید با «غایت وجودی» و «هدف خلقت» هماهنگ شود. مقدمه‌ی این هماهنگی شناخت موارد زیر است: «نقطه‌های کمال»، «راه‌های رسیدن به آن»، «بایدها» و «نبایدها» و همچنین آگاه‌ی از «هست‌ها» و «واقعیت‌ها تکوینی».

۱ - رک: طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۹.

۲ - بقره: ۱۲۴؛

۳ - نحل: ۹۷

گفتار اول: مفهوم‌شناسی

• مسجد در لغت

واژه‌ی سجد که از سه حرف سین و جیم و دال ترکیب شده، به معنای سرازیری، فرود آمدن و ذلیل شدن است.^۴ واژه‌ی مسجد اسم مکان همین فعل «سجد یسجد» است. مسجد مفرد مساجد و به کسر جیم خوانده می‌شود. البته واژه‌شناسان بزرگی، همچون فراء، معتقدند که تلفظ این واژه با فتح نیز جایز است؛^۵ اما با این تلفظ تا کنون استعمال نشده است. این کلمه، در فرهنگ‌های لغت، تعریف‌هایی گوناگون دارد که همگی به یک معنا برمی گردند. زجاج می‌گوید: کل موضع یتعبد فیه فهو مسجد؛ هر جایی که در آن عبادت شود مسجد است.^۶ در قرآن کریم، این واژه حتی بر عبادتگاه غیرمسلمانان نیز اطلاق شده است: (قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمُ مَسْجِدًا)^۷؛ آنان که به معجزه و داستان اصحاب کهف برخوردند، گفتند: بر بالای غارشان مسجدی می‌سازیم.^۸ در جای دیگر می‌خوانیم: مسجد به فتح جیم خوانده به معنای جایگاه عبادت در خانه‌ها و جایگاه نماز جماعت است.^۹

• مسجد در اصطلاح

مسجد در اصطلاح شرعی به مکان معین و موقوف برای نماز اطلاق می‌شود. مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: والمراد بالمسجد شرعاً المكان الموقوف على كافة المسلمين للصلاة؛ مقصود از مسجد در اصطلاح شرعی مکانی است که برای إقامة نماز تمام مسلمانان وقف شده است.^{۱۰}

• اخلاق در لغت

اخلاق جمع خُلُق و به معنی؛ خوی، طبع، سحی، سیرت و باطن انسان است. اما خَلَق به معنی صورت و ظاهر انسان می‌باشد. خُلُق و خَلَق در لغت عرب از یک ماده‌اند.^{۱۱}

۴ - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۳۳.

۵ - الجوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۴۸۴. و قال الفراء: «كل ما كان على فعل يفعل مثل دخل يدخل فالمفعل منه بالفتح، اسماً كان أو مصدراً ولا يقع فيه الفرق».

۶ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۶. نیز: ن، ک: فرهنگ فارسی معین، فرهنگ فارسی عمید، لغتنامه دهخدا و...

۷ - سوره کهف، آیه: ۲۱.

۸ - سوره کهف، آیه: ۲۱.

۹ - الزییدی، تاج العروس، ج ۲، ص ۳۷۱. مسجد بفتح الجیم، محراب البیوت و مصلی الجماعات؛

۱۰ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

۱۱ - ابن منظور، ج ۱۰، ص ۸۶-۸۷. و ن، ک: فرهنگ فارسی معین و عمید: الخُلُق، بضم اللام و سکونها: و هو الدین و الطبع و السجیه، و حقیقتة أنه لصورة الإنسان الباطنة و هی نفسه و أوصافها و معانیها المختصة بها بمنزلة الخُلُق لصورته الظاهرة و أوصافها و معانیها؛

• اخلاق در اصطلاح

«ابن مسکویه» معلم اخلاق می گوید: اخلاق؛ در اصطلاح علمای اخلاق حالت و ملکه‌ای است که آدمی را بدون نیاز به فکر کردن در انجام کارها تحریک کند، و بر دو قسم است:

۱. قسم طبیعی؛ که به سرشت انسان مربوط می شود، مانند کسی که با کوچک‌ترین سختی خشمگین شود یا به هر چیز شگفت‌آوری، به شدت، می خندد.

۲. اخلاق ناشی از عادت است که شاید در آغاز با فکر و محاسبه پای‌گذاری شود ولی بر اثر تکرار و رفته‌رفته، به صورت ملکه‌ای نفسانی و خویی ثابت درمی آید که بی‌اندیشه و انگیزه‌ی قبلی انجام می‌گیرد.^{۱۲}

طبق بیان فوق؛ حالت‌ها و صفت‌های نفس انسان، هم‌چون حالت‌ها و صفت‌های بدن انسان، دو گونه‌اند: برخی ناپایدارند و به سرعت دگرگون می‌شوند و برخی پایدارند و به راحتی تغییر نمی‌کنند. صفت‌های پایدار در اثر تکرار کارهایی خاص در انسان پدیدار می‌شود و به آن «ملکه» گویند. در علم اخلاق، درباره‌ی ملکه‌ها بحث می‌شود و اینکه هر انسان بای کدام صفت نفسانی را در خود تقویت و کدام یک را از خود دور کند. همچنین در علم اخلاق درباره‌ی رفتارهایی سخن گفته می‌شود که با هر یک از صفت‌های نیکو ی نفسانی متناسب است؛ عری افعال خوب و درست از افعال بد و نادرست تمیز داده می‌شود. بنابراین، موضوع علم اخلاق اعم از ملکه‌های نفسانی است که فیلسوفان اخلاق تاکنون روی آن تأکید کرده‌اند؛ بلکه موضوع اخلاق، با توجه به آلت قرآن کریم و روایات اهل بیت؛ شامل همه‌ی کارهایی می‌شود که به خوب و بد متصف می‌شوند و موجب کمال و فضیلت و طردی و نقص در نفس آدمی می‌گردند.^{۱۳}

• تعالی

این کلمه مصدر است و چنانچه به کسر «لام» خوانده شود، به معنای بلندشدن، برترشدن و بلندپایه‌شدن است و اگر به فتح «لام» خوانده شود، صریحی ماضی و به معنای بلندشد و برتر است؛ چنان‌که درباره‌ی خداوند متعال می‌گویند: «الله تعالی»، «حق تعالی» و...^{۱۴} مقصود از «تعالی اخلاقی»،

۱۲ - حائری تهرانی، مهدی / شیر، سید عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی، ص ۲۸-۲۹.

۱۳ - برای مطالعه بیش تر نک: فتحعلی خاکی، محمد، آموزه‌های بزرگ‌ی علم اخلاق، ج ۱، ص ۱۷. / مصباح یدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۲۴۰.

۱۴ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ص ۴۴۰.

برخورداری از ویژگی‌هایی است که موجب قرب الی الله و سعادت در دنیا و آخرت می‌گردد؛ از قبیل: عدالت، تقوا، شجاعت، عفت، حکمت، استقامت، وفا، صداقت، امانت و غیره.

گفتار دوم: اهتمام به اخلاق

دین اسلام مجموعه‌ی اخلاقی وئی‌های دارد که آموزه‌هایی این‌چنین دارد: اخلاص، تقوی، توکل، فروتری و ترس از خدا. قرآن کریم دو هدف عمده و اساسی، برای ارسال پیامبران، برمی‌شمرد:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ^{۱۵}
اوست که در م کلن پی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیزخت تا آلتش را بر آنان بخواند و آنان را پاک و آراسته گرداند و کتاب و حکمت به‌آنان بپلموزد.

بنابراین آیه‌ی کریمه، نخستین هدف فرستادن پیامبر اسلام ۶ آراستن مردم به ویژگی‌های خوب و سپس آموزش حکمت بود. بر اساس متون دینی، ارزش‌های اخلاقی اسلام از ایمان به خداوند و توحید نشأت می‌گیرد. عامل ایمان موجب رسوخ اخلاق در فرد فرد مسلمانان می‌شود. در فرهنگ دینی، مسلمان و مؤمن بیای جلب رضایت خداوند و گرفتن پاداش، خود را لب‌اخلاق نیکو می‌آرای. در متون دینی، بین اخلاق و ایمان ارتباطی محکم وجود دارد. امام باقر ۷ ضمن تأکید بر این ارتباط می‌فرماید:

«إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»^{۱۶} ایمان کسای کامل‌تر است که اخلاق آن‌ها از همه بهتر باشد.

در دین اسلام، اخلاق اهمیتی وئی‌ه دارد؛ به‌گونه‌ای که پلمبر اکرم ۶ هدف رسالت خود را کامل کردن اخلاق شایسته می‌داند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^{۱۷}

خداوند مرا مبعوث کرده است تا اخلاق نیکو را کامل کنم.

اخلاق نیکو سبب می‌شود خداوند نیز علاقه‌ی بیشتری به انسان داشته باشد. پلمبر اکرم ۶ در پاسخ این سوال که اسلام کدام یک از بندگان کامل‌تر است فرمود:

«إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ إِسْلَامًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا»^{۱۸} کسری که اخلاقش از همه بهتر باشد.

۱۵ - سوره جمعه، آیه: ۲.

۱۶ - شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

۱۷ - محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۱۸ - ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۱۰.

هم‌چنین، اخلاق نیکو موجب می‌شود کفه‌ی ترازوی اعمال خوب انسان، در روز قیامت، سنگین‌تر شود. وجود مبارک پلیمبر اکرم ۶ می‌فرماید:

«مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»^{۱۹} در ترازوی اعمال انسان در روز قیامت، هیچ چیزی سنگین‌تر از اخلاق حسنه نیست.^{۲۰}

در نگاه رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی نیز اخلاق جایگاه مهمی دارد؛ به گونه‌ای که ایشان در سخنان نوروزی سال ۱۳۸۵ فرمودند: «جامعه بدون برخورداری افراد از خلقیت ریکو، نمی‌تواند به هدف‌های بعثت پلیمبر دست پیدا کند. آنچه فرد و جامعه را به مقامات عالی انسانی می‌رساند، اخلاق ریکوست.»

گفتار سوم: رابطه اخلاق فردی و اجتماعی

ارتباط با مردم و کنش اجتماعی یکی از مهم‌ترین میدان‌هایی است که آدمی باید در آن به خودسازی و پرورش توانایی‌هایش پردازد. در این عرصه، انسان می‌تواند در اثر ارتباط با انسان‌های دیگر ارزش‌های خود را بنمایاند، فضیلت‌های اخلاقی و کمالات انسانی را در خویش نهادینه کند و به شکوفایی توانایی‌هایی دیگران نیز کمک کند. صحنه‌ی اجتماع، عرصه‌ی تعاملی گسترده است که در آن همه‌ی انسان‌ها، در سطوح مختلف و در همه‌ی حوزه‌ها، در شبکه‌ای فعال به شکوفایی توانایی‌های یکدیگر کمک می‌کنند. هدف این نظام توانمندسازی فرد و جامعه‌ی انسانی در ابعاد گوناگون است. روشن است که در عرصه‌ی تعامل اجتماعی، اخلاق خوش جایگاه ویژه‌ای دارد. خوش اخلاقی اولین نمود توانایی شخصیت انسانی و پرورش یافتگی او در حوزه‌ی ارزش‌های انسانی و اخلاقی است. جابر بن عبدالله انصاری از رسول اکرم ۶ نقل می‌کند که فرمود:

«مِنْ أَخْلَاقِ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ الْبِرَّاشَةُ إِذَا نَوَّاءُوا وَالْمُصَافِحَةُ إِذَا تَلَقَّوْا»^{۲۱}

اخلاق پلیمبران و راست‌گویی آن‌گونه است که هنگام دیدن دیگری خوشرو هستند و هنگام ملاقات با یکدیگر دست می‌دهند.

از این‌رو، بیشک اخلاق فردی مقدمه‌ی اخلاق اجتماعی است. امروزه، همه‌ی جامعه‌شناسان پندارند که در جامعه، اخلاق فرد مقدم بر اخلاق اجتماع است؛ زیرا اجتماع از افراد ساخته می‌شود. امام علی ۷ در جمله‌ای بسطید زبانی می‌فرماید:

«مَنْ لَمْ يَصْلِحْ نَفْسُهُ لَمْ يَصْلِحْ عَمَلُهُ»^{۲۲}

۱۹ - شیخ کلینی، پیشین.

۲۰ - شیخ کلینی، پیشین.

۲۱ - ورام بن ابی فراس، پیشین، ج ۱، ص ۲۹.

کسی که خود را اصلاح نکند نمی‌تواند دیگران را اصلاح کند.

یکی از کشتی‌های بزرگ مسیحی، هنگام مرگ، وصیت می‌کند روی سنگ قبرش بنویسند:

«روزگاری وقتی که کودکی بودم آروز داشتم دلی رو اصلاح کنم. وقتی به نوجوانی رسیدم، دیم دلی خ‌طی بزرگ است؛ اگو قاره خودم را اصلاح کنم، کافی است. بعد که به جوانی رسیدم، دیم یک قاره خ‌طی بزرگ است و از عهده‌اش بر نم‌طم؛ اگو کشورم را اصلاح کنم، بس است. بعد که به دوره ی م‌طن سالی رسیدم، دیم کشورم خ‌طی بزرگ است و بهتر است شهرم را اصلاح کنم. وقتی بچی شدم، دیم یک شهر هم خ‌طی بزرگ است؛ اگو خانواده‌ی خودم را اصلاح کنم، بهتری کار است. الان که از دلی می‌روم، به این ن‌طحه رسیدم که اگو از ه‌مان اول خودم را اصلاح می‌کردم، همه‌ی دلی اصلاح می‌شد.»^{۲۲}

اخلاق اجتماعی به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنا و سامان می‌بخشد، و روابط را تنظیم می‌کند. از این رو کسانی که اخلاق اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهند بخش از دیگران حقوق اجتماعی و مصالح جامعه را رعایت می‌کنند و افرادی مسئولیت‌پذی، با وجدان و منظم هستند.

گفتار چهارم: عوامل تعالی اخلاق

۱. انسان‌شناسی

مشکل اساسی در راه رشد و تعالی انسان‌ها و تهذیب و تربیت اخلاقی آنان، ناآگاهی از ساختار آدمی است. فقط معرفت دئی است که از چگونگی ساختار آدمی پرده برمی‌دارد. دین دنیای درونی انسان، راه تکامل اخلاقی و عوامل انحطاط را به بشریت می‌نمایاند. ناکامی دانشمندان اجتماعی در شناخت رفتار و اعمال انسان و سای پدیده‌های انسانی - اخلاقی معلول آن است که ساختار جامع آدمی را نمی‌شناسند و در بیشتر مواقع فقط بُعدی از ابعاد وجودی انسان را می‌شناسند؛ در حالی‌که انسان افزون بر آن‌که موجودی زنده و دارای فعالیت‌های زیستی تغذی، تنفس و دفع است، کانون تشعشع معنوی ر‌ف‌ هست و پدیده‌هایی چون شفقت، ایثار، نیکوکاری و شهادت‌طلبی را می‌آفریند. تقرب به خدای متعال، تقوا و ایمان بسیار برتر از توجه به لذت‌های مادی است. زیست‌شناسان و علمای طبیعی برای ع‌ق‌به‌اند که موفقیت در زندگی عبارت از ر‌ف‌و، کارآیی بدن، بقای نسل و ازدیاد هوش است؛ اما تعالیم خداوند این است که اگر انسان رشد نیابد، به کمال نرسد و برای هم‌نوعانش سودمند نباشد، ز‌ط‌ن‌کار و

۲۲ - تمیمی آمدی، عبدالوهاب، غرالحکم، ص ۲۳۷.

۲۳ www.golbargeshabane.blogfa.com

ناموفق خواهد بود. موفقیت واقعی نصیب مؤمنان پرهیزگاری می‌شود که به تعبیر قرآن کریم در نمازشان خاشع اند، از کار بیهوده روی می‌گردانند، زکات را می‌پردازند، حافظ عفت جامعه و امانت‌دارند. این گروه مالک بهشت و در آن جاودان هستند.^{۲۴}

۲. خودشناسی

در جهان‌بینی اسلامی، شرط اول برای تعالی و همانندی به اخلاق الهی خودشناسی است. خودشناسی مستلزم این است که انسان بتواند خود را از دیگران بازشناسد و مرتبه‌اش را در برابر آنان مشخص کند. این بازشناسی باید براساس ارزشی شخصیت خود و دیگران انجام گیرد. برای این کار ابتدا باید رفتارها و اعمال را رده‌بندی کنیم و شخصیت‌ها را که منشأ رفتار و عمل‌اند طبقه‌بندی کنیم؛ سپس باید ربط هر نوع رفتار را با انواع شخصیت درگیریم. با چنین کاری به راز چگونگی شکل‌گیری شخصیت‌ها پی می‌بریم و درمی‌یابیم که شخصیت هر کس با اراده‌ی آزادانه‌ی خودش شکل می‌گیرد. اراده سبب ظهور رفتارهای عاطفی، ادراک حسری علی‌الحدگی، حافظه و یادآوری و رفتارهای عقلی و ذهن‌کردارها علی‌العمل خاصی می‌شود که در نفس فرد انسجام می‌یابند. دانشمندان غی‌متدی که در راه شناخت اخلاق و سلوک آدمی می‌کوشند به ناتواری خود در شناسایی ساختار انسان معترف اند. حل بحران خطرناک کنونی که گریبان بشر را گرفته است به انسان‌شناسی دینی نیاز دارد؛ انسان‌شناسی‌ای که به مسأله‌ی رشد اخلاق الهی و موانع آن می‌پردازد. خداوند توانایی‌های زیادی به انسان بخشیده است که به کمک آن می‌توان به خدا نزدیک شد؛ اما فقط دین از این توانایی‌ها آگاه است.

۳. دین‌مداری

دین محکم‌ترین ریسمان الهی است که انسان فقط با تمسک به آن می‌تواند به هدف والای خویش، مقام خلیفه‌اللهی برسد. اما مسئله‌ی اصلی این است که دین چگونه توانسته است قدرت انسان را زیاد کند و او را در مقابل لذت‌های دنیایی، عصبان و سرکشی بجه کند؟ می‌توان به دو راهکار نظری و عملی دین اشاره کرد:

الف) در راهکار نظری، دین به سه مقوله‌ی مهم توجه می‌کند: ترسیم بدی‌ها و خوبی‌ها، ترسیم پاداش، عقوبت و مجموعه‌ی معارف برپایین.

۲۴ - سوره مومنون، آیات: ۱-۱۱.

ب) در راهکار عملی، دین از طریق تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر برای این مهم می‌کوشد. اگر چه بعضی از این موارد ظاهری فردی و بعضی دیگر ظاهری اجتماعی دارند، لیکن هر دو درهم تنیده شده‌اند و جدا ناپذیرند.

هر جامعه افکار و باورهای خاصی دارد و رفتارهای مناسب و نیکو را تعیین می‌کند. به این رفتارها «هنجارهای اجتماعی» گفته می‌شود و تخلف از آن‌ها را «انحراف اجتماعی» می‌گویند. دین نیز که نظامی الهی و در قالب کتاب و سنت نازل گردیده است، معطرها و هنجارهایی برای اندیشه، احساس و عمل دارد. گاه هنجارهای جامعه با هنجارهای دین مخالف است یا آن که برخی از هنجارهای دینی فراموش می‌شود و جامعه دچار مشکل می‌شود. دین نه تنها در صدد حفظ هنجارهای اجتماعی مخالف با هنجارهای دینی نیست، بلکه با آن هنجارها مبارزه رهن می‌کند؛ لذا انبیا را به مبارزه با بت پرستی فرا می‌خواند که مطابق هنجارهای اجتماعی قوم‌شان بود.

شأن هدایت‌گری دین اقتضا می‌کند که از هنجارهای اجتماعی غی دینی (نه مخالف و مغایر دین) حمایت نکند؛ زیرا بی‌ارتباط با وظیفه‌ی هدایت است. یکی از اهداف مسلم دین که در آلت متعدد قرآن کریم بر آن تأکید شده است، هدایت و راهنمایی انسان به سوی شناخت و عبودیت پروردگار است. راهنمایی انسان از طریق رعایت و عمل به احکام، دستورها و هنجارهای خاصی مبتنی گشته است و بدون رعایت آن‌ها هدایت ممکن نیست. در واقع، موضع بی‌تفاوتی قائل‌شدن برای دین در مبارزه با انحراف‌ها به منزله‌ی در نظر نگرفتن شأن هدایت‌گری دین است. از یک سو، دین با ارائه‌ی علوم و معارف خاص و از سوی دیگر با توصیف به اعمال و رفتارهای ویژه، نقش مؤثری را در بازداشتن افراد از انحراف‌ها بازی می‌کند.

شناخت‌هایی که دین می‌دهد و مانع انحراف افراد می‌شود در سه مقوله جای دارد:

۱. ترسیم ساز و کار پاداش و عقوبت؛

۲. بدی و خوبی؛

۳. شناخت‌های بزرگ دین.

دین برای افراد مؤمن، نیکوکار و به طور کلی برای کسانی که دستورهای دینی را به‌خوبی رعایت می‌کنند، متناسب با میزان پایداری آنان بر هنجارهای مذکور، پاداش‌هایی معرفی می‌کند؛ چه پاداش دینی و چه پاداش اخروی. پاداش‌هایی چون نعمت‌های بهشتی، احساس رضایت‌مندی، سرور و افتخار، جلب توجه الهی، به‌دست آوردن بهشت، اطمینان و آرامش، برخورداری از کمک‌های ویژه‌ی الهی در دنیای و برخورداری از هدایت بیشتر الهی. در مقابل، دین عقوبت‌هایی را برای کفار، بدکاران و

کساری ترسیم می کند که از هنجارهای دینی سر می پیچند؛ مثل عذابهای اخروی، پشیمانی و سرافکندگی، برخوردار نبودن از نگاه، توجه و رضایت الهی، و شک، تردید و ناآرامی.

۴. جهاد و مجاهده

چنانچه بیان شد، در دیدگاه اسلام، انسان موجودی دو بعدی است و یکی از لوازم رسیدن به سعادت در دنیا و آخرت، رشد اخلاقی است. خالق یکتا نیز مردم را در کسب صفات خوب و در مبارزه با شهوات تنها نمی گذارد؛ بلکه با کمک های عملی و معنوی آنان را در راه رسیدن به هدف یاری می کند. در بُعد عملی، خداوند آنان را به کار و جهاد فرا می خواند و اشتغال و سرگرم شدن را یکی از راه های عملی مبارزه با غریزه های شهوت می داند. البته، در اسلام، جهاد انواعی مختلف دارد:

۱. جهاد با دشمنان خارجی^{۲۵}

۲. جهاد با ستم کاران داخلی^{۲۶}

۳. جهاد با منکرات^{۲۷}

۴. جهاد با نفس؛ سه قسم نخست در روایات «جهاد اصغر» است و جهاد بزرگ، به تعبیر مربی بشریت خاتم الانبیاء جهاد با نفس است که زحمت و تلاش آن به مراتب بیش تر است.

۵. عبادت

یکی از راه کارهای فردی برای تعالی اخلاق فردی «عبادت» است؛ هر کسری می تواند با عبادت خودش را از انحراف دور کند. دینی اعمالی را توصیف می کند که باعث درویش شدن شناخت می گردد؛ اعمال و عبادتی مانند: تلاوت روزانه قرآن کریم، اقامه نمازهای پنج گانه و نافله ها، تفکر در خلقت آسمان و زمین، حج، روزه، صله رحم و به طور کلی همه ی افعالی که عبادت و اطاعت خداوند هستند. قرآن کریم در آیات زیادی درباره ی تأملی رفتار بر باورها سخن گفته است؛ برای نمونه، عبادت پروردگار را - که از مقوله ی رفتار و عمل است - موجب «یقین» می داند. در مقابل، قرآن پیروی از هواهای نفسانی را عامل اِیکار عالم آخرت و تکذیب آیت الهی معرفی می کند. بنابراین، هر عملی که اطاعت و

۲۵ - سوره انفال، آیه ۶۰. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْغَيْظِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ».

۲۶ - سوره هجرات، آیه ۹. «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بِهِمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ».

۲۷ - احسان، ابن ابی الجهمور، عوالی الآلای، ج ۱، ص ۴۳۱. «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ لَيْسَ وَرَاءَ ذَلِكَ شَيْءٌ مِنَ الْإِيمَانِ وَفِي رِوَايَةٍ إِنْ ذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ».

عبادت خداوند باشد، موجب باور قلبی انسان به وجود خداوند می‌شود که اساس معارف برپایه آن است. در نتیجه، توصیف‌های فردی موجب درونی‌شدن معارف برپایه آن می‌گردد.

اسلام هدف از آفرینش جن و انس را عبادت معرفی می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^{۲۸}؛ انسان و جن را جز برای پرستش نگزیدم. عبادت، به انسان برای انجام وظیفه‌ها و رسیدن به اهداف بلند انسانی کمک می‌کند؛ هدف‌هایی که فرد به تنهایی و بدون کمک نمی‌تواند بدان دسترسی پیدا کند. توجه به آن مقدار از فلسفه‌ی عبادت که در آیات و روایات ذکر شده است به ما نشان می‌دهد که عمل به عبادت، در واقع قدم برداشتن در مسیر تعالی اخلاقی است؛ برای مثال نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد؛ روزه برای تقویت اراده علی‌رغم «بازدارنده» است؛ و زکات نوعی کنترل شهوت مال و دوری از بخل، خودخواهی و خوددوستی است.

گفتار پنجم: نقش مسجد در تعالی اخلاقی

مسجد الگوی ارزش‌گذاری، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای مختلف جامعه است؛ و از این رو جایگاه مناسبی برای احیای ارزش‌های فراموش‌شده است، همکاری اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در برطرف کردن نارسایی‌ها و آسیب‌های اجتماعی. مسجد پایگاه تبلیغ دین اسلام است. بسطی از صفات فردی - اجتماعی در مسجد آموخته می‌شود؛ همانند: اخلاص، درست‌کاری، ساماندهی زندگی، نظم و تقوی. به طور معمول، افرادی که بیشتر به مسجد می‌روند، کمتر حقوق دیگران را ضایع می‌کنند، زندگی‌شان نظم بهتری دارد و آثار و رفتار دینی در زندگی اجتماعی آنان ریشه به چشم می‌خورد. در حقیقت، مکان مسجد دو جلوه‌ی متفاوت دارد و دو گونه‌ی رفتاری در این مکان ویژه متجلی می‌گردد که در امر تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی بسطی مؤثر است.

الف: جلوه ظاهری

در مکتب تربیتی اسلام، انزواطلبی و جمع‌گرایی، جهت تعالی اخلاقی، نکوهش شده است. امروزه نیز انزواطلبی را بهاری روح می‌دانند. در مقابل، اجتماعی‌بودن و جمع‌گرایی معقول - به‌ویژه در میان خویشاوندان - نشانه‌ی سلامت روح و روان آدمی و تعادل فکری وی به شمار می‌آید. در جلوه‌ی ظاهری مسجد، رفتارها، اعمال و روابط پسندیده‌ی دینی و مقبول شرع رخ می‌نمایند. ویژگی مساجد که در مقابل دیگر مکان‌ها مکان مقدسی به‌شمار می‌رود در این است که "ماهیت مسجد" علاوه بر این که محلی برای تجمع و همبستگی جمعی است، هنگامی که انسان‌ها به صورت جمعی مناسک و فرائض

۲۸ - سوره ذاریات، آیه ۵۶.

دهی را انجام می دهند، رفتارهای جمعی دوستانه تر و عمومی تری نمایش داده می شود. چنین امری زمینه ی تعالی اخلاقی افراد در دو حوزه ی فردی و اجتماعی را به دنبال دارد.

ب: جلوه پنهانی

در جلوه ی پنهانی مسجد، رفتارهای شخصی، غی جمعی و کنترلی رخ می دهد. هنگامی که افراد به صورت فردی در مسجد ظاهر می شوند، خود به خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای فردی خود می پردازند. سادگی بنا، عدم تعلق آن به انسان، انتساب آن به ذات باری تعالی و برخورداری از تقدس معنوی خاص، فرد را به درون خود ارجاع می دهد و زمینه ی اصلاح رفتاری و فکری او را فراهم می آورد. بر این اساس، حضور جمعی و حضور فردی در مسجد رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برمی انگیزد و مقدمه های تعالی اخلاق فردی و اجتماعی را فراهم می آورد.

جمع بندی

می توان برای مسجد نقشی دوگانه قائل شد:

نقش اول؛ کمک به اصلاح و انجام رفتارهای جمعی است. افراد با حضور در مسجد و انجام فعالیت های عبادی و آیین ها هویت جمعی خود را سامان می بخشند.

نقش دوم؛ نقش تربیتی مساجد است، که این نهادهای مقدس در زمینه های روحی ایفا می نمایند. آن گاه که مؤمن به مسجد وارد می شود، در فضایی قرار می گیرد که آکنده از قداست و طهارت، کانونی ساده و عاری از پیچیدگی های مادی و انباشته از جلوه های معنوی و الهی است. واکاوی احوال شخصی و مراقبت بر گناه نکردن در مسجد، نوعی تمرین توجه به خدا، مبارزه با نفس، ترک گناهان و انجام کارهای خیر است. علاوه بر این که، چون در مسجد روحیه ی کارهای گروهی وجود دارد، آثار سازنده و تربیتی حضور در مسجد، به تدریج، به دیگر رفتارهای فردی سرایت می کند. افزون بر آن که، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و نارسایی های اجتماعی است و به طور طبیعی حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی را در فرد می دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص، نوعی مبارزه با روحیه ی بی تعهدی و بی مسئولیتی است؛ روحیه ای که هرگاه در افراد جامعه پدیدار گردد، آسیب های جدی و اساسی بر بیکری جامعه وارد می شود. در نگرانی از پژوهش گران علوم اسلامی، گرچه امروزه مسجد دارای مکان مشخص و مخاطبین خاص است اما مسجد دو کار باید بکند:

اول؛ ساماندهی معرفتی مخاطبین خاص و ایجاد نظام ارتباطی (چهره به چهره) که کارآمدترین نظام ارتباطی و مبتنی بر معرفت حقیقی است؛ نه مجازی که نظام معنایی خود را در جامعه گسترش می دهد. دوم، مسجد می تواند (بلکه باید) از رسانه های جدید به عنوان ابزار استفاده نماید. [چرا که] مهم ترین

خصلت مسجد «تولای بچم» است و بچم یک نرم افزار است که می تواند از طریق نظام ارتباط محدود و مشخص (چهره به چهره خود مسجد) به مخاطب برسد و هم می تواند از ابزارهای پیام گستر چون رسانه های مدرن استفاده نماید. اگر این فرضیه را که رسانه های تکنولوژیک به خودی خود و صرفاً از این جهت که ابزار هستند، خنثی می باشند و این بچم است که غایت و نوع آن ها را مشخص می کند بپذیریم، در آن صورت رسانه های جدید و شبکه های ماهواره ای و اینترنتی ابزارهایی هستند که می توانند در "خدمت مساجد" این قرار بگیرند و نظام معنایی اسلام را به جهانگرد ارائه دهند و کاربران را با شبکه ای از لایه های معرفت بچم آشنا سازند که حاوی یک روکرد معنوی برای انسان معاصر گریزان از هجمه است.^{۲۹}

به طور طبیعی، اگر استفاده از ابزارهای مختلف روز به رشد و تعالی اخلاق فردی و اجتماعی بیانجامد، مطلوب و پسندیده است.

۲۹ - فرهنگیان، مجتبی، نقش مسجد در نزاع دین و جهانی شدن، ص ۶۷۷. فروغ مسجد ۶، مرداد ۱۳۸۷.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن منظور، لسان العرب، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۵ ق
۳. احسائی، ابن ابی الجمهور، عوالی اللآلی، قم، انتشارات سیدالشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۴. تمیمی آمدی، عبدالوهاب، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۵. الجوهری، الصحاح.
۶. حائری تهرانی، مهدی، شیر، سید عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه.
۸. الزیبدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، المكتبة الحیاء.
۹. شیخ کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
۱۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی.
۱۲. فتحعلی خاری، محمد، آموزه‌های برپای علم اخلاق.
۱۳. فروغ مسجد ۶، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ثقلین، مرداد ۱۳۸۷.
۱۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. مصباح عی‌دی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیة، آخوندی ۱۳۶۵.
۱۸. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه.
۱۹. <http://www.golbargeshabane.blogfa.com/> ۸۰۴.aspx

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد